



Identifying and Categorizing the Effective Drivers Shaping the Future of Accounting Education in Iran using the EPISTLU Model

Mohammad Javad Sedighian

Ph.D. Student in Accounting, Islamic Azad University, Yazd Branch, Iran,
a.sedighian@gmail.com

Forough Hirani*

Assistant Professor of Accounting, Islamic Azad University, Yazd Branch, Yazd, Iran
(Corresponding Author) heyrani@iauyazd.ac.ir

Mahmoud Moinuddin

Associate Professor of Accounting, Islamic Azad University, Yazd Branch, Yazd, Iran,
mahmoudmoein@iauyazd.ac.ir

Hamid Babaei Meybodi

Assistant Professor of Management, Meybod University, Meybod, Iran, babaei@meybod.ac.ir

Abstract

Objective: The present study aimed to identify and categorize the effective drivers shaping the future of accounting education in Iran in a scientific and systematic manner.

Methods: Even if numerous methods have thus far developed for futures studies, it seems essential in most cases to identify the significant drivers affecting the future. For this purpose, the present study was an attempt to analyze the effective drivers in the future of accounting education through desk research methods and a survey of expert opinions, and then identify the most important ones using the Delphi method.

Findings: In total, 27 effective drivers shaping the future of accounting education in Iran were categorized based on the EPISTLU model, and then divided into seven groups; namely, economic, political, institutional, social, technological, legal, and academic. The study participants also included 15 experts engaged in the field of accounting and familiar with futures studies topics.

Conclusion: The categorization of the study findings with reference to the above-mentioned seven groups demonstrated that many intertwined drivers were involved in the future of accounting education in Iran. Accordingly, it is crucially important to reflect on all these various drivers and plan for them to shape the future of accounting education in this country. Therefore, analyzing and categorizing such drivers paves the way for prioritizing and determining the importance of each one in the future of accounting education in Iran.


Keywords: Futures studies, Accounting, Education System, Drivers, Future University.

Semiannual Journal of Iran Futures Studies, Research Article, Vol.6, NO.1, Spring & Summer 2021, 265-290

DOI: 10.30479/jfs.2021.15641.1295

Received on 7 June, 2021 Accepted on 23 August, 2021

Copyright© 2021, Sedighian, Hirani, Moinuddin & Babaei Meybodi

Publisher: Imam Khomeini International University 

شناسایی و دسته‌بندی پیشران‌های مؤثر بر آینده آموزش حسابداری در ایران با استفاده از الگوی EPISTLU

محمدجواد صدیقیان

دانشجوی دکتری حسابداری، دانشکده مدیریت، حسابداری و اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد، یزد، ایران

a.sedighian@gmail.com

فروغ حیرانی*

استادیار، گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد، یزد، ایران (نویسنده مسئول) heyrani@iauyazd.ac.ir

محمود معین‌الدین

دانشیار، گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد، یزد، ایران، mahmoudmoein@iauyazd.ac.ir

حمید پایایی میبیدی

استادیار، گروه مدیریت، دانشگاه میبد، میبد، ایران. babaei@meybod.ac.ir

چکیده

هدف: مقاله حاضر به دنبال آن است که عوامل مؤثر بر آینده آموزش حسابداری در ایران را به روشی علمی و نظام‌مند شناسایی کرده و آن‌ها را به صورت طبقه‌بندی شده معرفی نماید.

روش: هرچند روش‌های مختلفی برای آینده‌پژوهی وجود دارد، ولی در بیشتر آن‌ها شناسایی پیشران‌های شکل‌دهنده آینده ضروری است؛ بدین منظور تحقیق حاضر کوشیده است تا با روش مطالعات کتابخانه‌ای و نظرسنجی از خبرگان، پیشران‌های تأثیرگذار بر آینده آموزش حسابداری را احصاء و سپس با استفاده از روش دلفی، مهم‌ترین آن‌ها را شناسایی نماید.

یافته‌ها: ۲۷ پیشران تأثیرگذار بر آینده آموزش حسابداری بر اساس الگوی EPISTLU، دسته‌بندی و به گروه‌های ۷ گانه اقتصادی، سیاسی، نهادی، اجتماعی، فناوری، حقوقی و دانشگاهی تقسیم‌بندی شدند. مشارکت کنندگان در این تحقیق ۱۵ نفر از خبرگان متخصص در زمینه حسابداری و آشنا با مباحث آینده‌پژوهی می‌باشند.

نتیجه‌گیری: طبقه‌بندی یافته‌های این تحقیق در گروه‌های هفت‌گانه بالا نشان می‌دهد، عوامل متعدد و در هم تنیده‌ای بر آینده آموزش حسابداری در ایران تأثیرگذار بوده و می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که برای شکل‌دهی به آینده آموزش حسابداری در ایران لازم است تمامی این عوامل متنوع را مورد توجه و برنامه‌ریزی قرار داد. احصاء و طبقه‌بندی پیشران‌ها، زمینه لازم برای اولویت‌بندی و تعیین میزان اهمیت هرکدام از این پیشران‌ها را فراهم می‌کند.

واژگان کلیدی: آینده‌پژوهی، حسابداری، نظام آموزشی، پیشران‌ها، دانشگاه آینده.

* دو فصلنامه علمی آینده پژوهی ایران، مقاله پژوهشی، دوره ۶، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰، ۲۶۵-۲۹۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۳/۱۷ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۶/۱

۱- مقدمه

سرعت زیاد رشد فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، هر سازمانی را نیازمند به برنامه‌ریزی راهبردی جهت رویارویی با آینده می‌کند (آقارفعی، ۱۳۹۸: ۱۴۰).

امروزه با جهانی شدن اقتصاد، تحولات فناوری و گسترش روزافزون کسب و کار، اطلاعات حسابداری از جایگاه ویژه‌ای برخوردار گردیده است؛ چرا که سرمایه‌گذاران جهت تصمیم‌گیری‌های مالی خود نیازمند اطلاعات دقیق مالی هستند و حسابداری نقش محوری در رونق اقتصاد و گردش ثروت و سرمایه ایفا می‌کند؛ علاوه بر آنکه پیدایش عصر انقلاب ارتباطات و مفاهیم نوین در حسابداری؛ از قبیل ارزشهای دیجیتال و جایگاه آن در صورت‌های مالی، بازاریابی شبکه ای و...، ضرورت ایجاد تغییرات بنیادی در آموزش جهت پاسخگویی به نیازهای حاصل از عصر جدید را ایجاد نموده است (خواجهی و منصور، ۱۳۹۰: ۷۱)

از دو دهه گذشته، همسو با تحولات جامعه و به منظور پیش‌نگری و خلق آینده‌ای مطلوب، نظام دانشگاهی نیز دست به کار شده و تلاش می‌کند با استفاده از علم آینده‌پژوهی که خود از علوم میان رشته‌ای است، آینده هر رشته دانشگاهی را شناسایی نماید تا آموزش‌های لازم برای رسیدن به بهترین حالت ممکن انجام شود (مهدی، ۱۳۹۲: ۸۳).

پژوهشگران حسابداری نیز مانند محققین سایر رشته‌ها با تغییرات فناوری، پیچیده شدن محیط تجاری و ابداع روش‌های جدید، در صدد انجام تحقیقات کاربردی جدید برآمده و تلاش نمودند که با انجام این تحقیقات و استفاده از آن در توسعه حسابداری، روش‌های بهینه تهیه و تولید اطلاعات مالی و در نتیجه افزایش ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری را آموزش داده و ایجاد نمایند (لک و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۳۸). نکته خوب جریان این است که اگرچه حوزه آینده‌پژوهی نسبت به برخی دیگر از حوزه‌ها دیرتر ظهور کرده، اما بسیار فراگیر شده است (عبدی و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۳).

از همین رو، لازم است تا با توجه به دگرگونی به وجود آمده در محیط تجاری و ابزار و لوازم فناوریانه مورد استفاده در حسابداری، با بهره‌گیری از دانش آینده‌پژوهی، آموزش به صورت عام و آموزش حسابداری به صورت خاص - که موضوع این تحقیق می‌باشد - را تغییر داده و تلاش کرد تا شکاف بین نیازهای بازار و مباحث تدریس شده در دانشگاه کم شود و به افزایش ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری کمک کند. جهت رسیدن به این هدف، می‌بایست پژوهشی در خصوص آینده‌پژوهی نظام آموزشی حسابداری صورت گیرد تا بتوان بر اساس آن اقدامات لازم جهت تغییرات در شیوه آموزش حسابداری را شناسایی نمود.

با وجود آنکه اهمیت توجه به آینده در مباحث جاری حرفه حسابداری مورد تأکید صاحب‌نظران گوناگون و انجمن‌های حرفه‌ای حسابداری قرار دارد (آپستولو و همکاران، ۲۰۱۹: ۲۳ و شفتل، ۲۰۰۵: ۲۳۴)، علی‌رغم آنکه تحقیقات چندی نیز درباره آینده این رشته

انجام شده است، اما تاکنون کمتر مطالعه‌ای به شناسایی و معرفی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آینده آموزش حسابداری پرداخته است. به بیان دیگر، بیشتر پژوهش‌های قبلی، یا قلمروی موضوعی خود را در حرفه یا رشته حسابداری به صورت کلی قرار داده‌اند و یا این که به حوزه‌های دیگر حسابداری مثل حسابداری مدیریت پرداخته‌اند و پژوهشی که به صورت خاص بر آینده آموزش این رشته تمرکز داشته باشد، انجام نشده است. در چنین شرایطی به نظر می‌رسد، لازم است به روش علمی و نظام‌مند، آینده آموزش حسابداری مورد تحلیل قرار گیرد و نخستین گام در این راه دشوار، شناسایی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آینده این موضوع است که تحقیق حاضر می‌کوشد تا این خلأ تحقیقاتی را با استفاده از روش‌شناسی استاندارد تکمیل نماید. انتخاب کشور ایران به عنوان قلمروی مکانی این آینده‌پژوهی نیز وجه ممیزه دیگر این مطالعه در مقایسه با سوابق قبلی بوده است.

پرسش اصلی تحقیق حاضر بدین ترتیب تنظیم شده است که: «مهم‌ترین پیشران‌های اصلی و فرعی شکل‌دهنده به آینده آموزش حسابداری در ایران کدامند؟» در این خصوص، لازم است ابتدا عوامل فرعی تأثیرگذار بر این پدیده شناسایی شوند و در ادامه با انتخاب الگوی مناسب برای دسته‌بندی این عوامل فرعی، فهرستی از پیشران‌های اصلی نیز تهیه گردد.

هدف از پژوهش حاضر، شناسایی و دسته‌بندی عوامل و پیشران‌هایی است که آینده محتمل آموزش حسابداری در ایران را شکل می‌دهند. به بیان دیگر، تحقیق پیش رو به دنبال آن است که برای آینده‌پژوهی، آموزش حسابداری به کشف و تحلیل نیروهای پیردازد که بیشترین تأثیر را در تحول این پدیده خواهند داشت. البته مطالعات آینده‌پژوهانه کمی در رشته حسابداری انجام شده است، ولی هیچ‌کدام از آن‌ها به موضوع فرعی آموزش در این رشته پرداخته‌اند. بنابراین با توجه به اهمیت و حساسیت خرده نظام آموزش در هر رشته تحصیلی یا حرفه، ضروری است مطالعه‌ای آینده‌پژوهانه در این عرصه انجام شود..

در این گزارش، ابتدا مروری بر مبانی نظری و سوابق پژوهشی مرتبط با آینده‌پژوهی آموزش و حسابداری انجام می‌شود. در ادامه و پس از تبیین ویژگی‌های روش‌شناختی تحقیق، خلاصه‌ای از مهم‌ترین یافته‌های پژوهش ارائه می‌گردد. در پایان نیز ضمن بحث و مقابله یافته‌های تحقیق با نتایج تحقیقات مشابه قبلی، مجموعه‌ای از پیشنهادها اجرایی و پژوهشی به منظور بهره‌برداری هرچه کامل‌تر از نتایج تحقیق مطرح می‌شود.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مرور تاریخ سرنوشت و سرگذشت دانشگاه‌های دنیا و سیر تحولات نظام دانشگاهی در یک قرن اخیر، همگی نشان از ضرورت تغییر و تحولات نظام دانشگاهی و انطباق فعال آن با شرایط محیطی و جامعه دارد (مهدی، ۱۳۹۴: ۴۴)؛ زیرا در جوامع امروزی و برای فردای جوامع،

دانش، عامل اصلی ایجاد ارزش افزوده، تولید ثروت، رشد اقتصادی و توسعه همه‌جانبه می‌باشد (رومزی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۳۳).

برای تعیین دانش مورد نیاز فردا می‌توان از علم آینده‌پژوهی استفاده نمود. ارزش آینده‌پژوهی بیش از آنکه به درست بودن پیش‌بینی‌ها باشد، به مفید بودن آن در برنامه‌ریزی و باز کردن ذهن‌ها برای توجه بیشتر به فرصت‌ها و تهدیدها و تغییر خط‌مشی است و ما را وادار می‌سازد تا با رهیافتی روش‌مند، فرصت‌ها و تهدیدهای ممکن و محتمل را پیش‌بینی کنیم و درباره چگونگی پرداختن به آن بیندیشیم و تصمیم بهتری بگیریم (رضائیان قیه‌باشی و پورعزت، ۱۳۹۷: ۱۴).

اولین شرط موفقیت فرایند آینده‌پژوهی، شناسایی و معرفی نیروهای پیشران^۱ و عواملی است که رویدادهای^۲ آتی و وضعیت پدیده در آینده را شکل می‌دهد (گرایی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۳۸). پیشران‌ها، مؤلفه‌هایی هستند که در سامانه مورد بررسی، بیشترین اثرگذاری را بر سایر مؤلفه‌ها دارند و با کمک آن‌ها می‌توان تصاویری از آینده را شناسایی و توصیف نمود و تصمیم‌گیران را در اتخاذ تصمیم‌های راهبردی در شرایط عدم قطعیت توانمند نمود (رضائیان قیه‌باشی و مرزبان، ۱۳۹۸: ۸).

بررسی پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد، تلقی و برداشت‌های متفاوتی در مورد چالش‌ها و آینده آموزش عالی وجود دارد. برخی افزایش رقابت، تغییر جریان‌های درآمد، روندهای جمعیت و نیروی کار، فناوری و تغییر ادراک عمومی را عوامل تهدیدکننده آموزش عالی می‌دانند و برخی دیگر آن‌ها را عامل تغییر و رو به رشد آموزش عالی می‌پندارند (مهدی، ۱۳۹۴: ۳۸). در ادامه، اهم پژوهش‌های داخلی و بین‌المللی انجام شده در حوزه آینده‌پژوهی در زمینه آموزش و حسابداری ارائه می‌گردد:

الف: پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه آموزش

زمانی اسکندری و همکاران (۱۳۹۹) در تحقیق خود با عنوان «آینده‌نگاری پیشران‌های حوزه آموزش و پژوهش در نظام مالیاتی ایران - با رویکرد اقتصادی» با آزمون‌هایی که انجام دادند، ۲۱ پیشران تأثیرگذار بر آینده حوزه آموزش در نظام مالیاتی را شناسایی و به هفت پیشران اصلی؛ از جمله آماده‌سازی پرسنل با تغییرات روزافزون فناوری و آموزش مأمورین مالیاتی با علوم رفتاری، فناوری اطلاعات، ترفندهای فرار مالیاتی، مبارزه با پولشویی و دست یافتند.

اخلاقی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهش خود با نام «آینده‌پژوهی اجرای اهداف سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در افق ۱۴۰۴»، با اثبات تأخیر در پیشرفت اجرای سند تحول

1. Driving Forces

2. Events

بنیادین نظام آموزش و پرورش، لزوم شناسایی علت این تأخیر و تحلیل آن‌ها و تأثیر آن بر آینده نظام آموزشی کشور را گوشزد کردند.

روزانوا (۲۰۲۱) در مقاله «آموزش رقابتی در هزاره سوم» عنوان می‌کند؛ ثابت شده است که رقابت در قرن جدید به رقابت آموزشی تبدیل شده، چراکه در سال‌های پیش رو اکثر نیروهای کار، تحصیلات کارشناسی و یا کارشناسی ارشد دارند و تغییرات اساسی در بازار کار سراسر جهان به وجود خواهد آمد و این امر نیازمند توسعه مدل‌های آموزشی جدید است، زیرا در یک اقتصاد جهانی، مردم متقاضی آموزش جهت کسب منافع حاصل از آن هستند و ارزش آموزش نه تنها از نظر اقتصادی، بلکه از نظر نقش آن در زندگی اجتماعی، سیاسی، مذهبی و فرهنگی جامعه نیز می‌بایست در نظر گرفته شود. این مدل، نقش جدیدی برای یک معلم ایجاد می‌کند و او را از یک ارائه دهنده انحصاری اطلاعات به یک مشاور تبدیل می‌کند و دانش‌آموزان نیز به عنوان شرکای معلم در امر آموزش رفتار می‌کنند.

جورج پساکاروپولوس (۲۰۲۰) در کار پژوهشی خود با عنوان «وضعیت تحقیقات مطالعات آینده‌نگری در آموزش و پرورش» که برای کمیسیون اروپا انجام داده است، ضمن بیان تفاوت‌های آموزشی در دنیای آینده، عوامل تأثیرگذار بر آینده را به جهانی‌شدن، نوآوری‌ها، دیجیتالی‌شدن، عوامل اقتصادی، سیاسی و مذهبی طبقه‌بندی می‌کند.

رهسپار و همکاران (۱۳۹۸) از طریق متن‌کاوی در اسناد معتبر جهانی و گردآوری نظر خبرگان در تحقیق خود با عنوان «شناسایی و تحلیل ساختاری تأثیر متقابل پیشران‌های تغییر در حوزه آموزش و پرورش» جهانی‌شدن (بین‌المللی شدن آموزش)، فردگرایی (شخصی‌سازی یادگیری)، تنوع‌طلبی، شبکه جهانی اینترنت (شبکه‌های اجتماعی)، توسعه فناوری و دیجیتالی‌شدن، انتقال از آموزش به یادگیری، رفاه اقتصادی و افزایش طبقه متوسط، شناسایی و به کارگیری الگوهای بهتر، پایان تولید برنامه‌های سازمان یافته رسمی (طراحی نظام‌هایی با انعطاف‌پذیری بیشتر)، توسعه علوم، فناوری، مهندسی و ریاضی، یکپارچه‌سازی آموزش و محتوای آموزشی را به عنوان مهم‌ترین عوامل و پیشران‌های حوزه آموزش و پرورش شناسایی کردند.

اصغری و اکبرپور شیرازی (۱۳۹۷) در پژوهش خود «ارائه سناریوهای آینده آموزش عالی کشور با استفاده از روش نقشه‌شناختی فازی» مأموریت آموزش عالی، تأمین مالی، کاربرد فناوری، تغییرات جمعیتی، نیاز جامعه به آموزش عالی، جهانی‌شدن و تقاضای بازار را به عنوان عوامل اثرگذار بر آینده آموزش عالی ایران تعیین نمودند.

پژوهشی دیگر با هدف «شناسایی نیروهای پیشران تأثیرگذار بر آینده آموزش علم اطلاعات و دانش‌شناسی در ایران» توسط گرابی و همکاران (۱۳۹۷) انجام شد. آن‌ها نیروهای پیشران تأثیرگذار بر آینده آموزش علم اطلاعات و دانش‌شناسی را در دو گروه پیشران‌های

بیرونی یا غیر قابل کنترل و پیشران‌های درونی یا تحت کنترل طبقه‌بندی کردند که هر یک از این پیشران‌ها خود دارای چند زیرمجموعه هستند.

رمضان‌پور نرگسی و همکاران (۱۳۹۵) در تحقیق خود با عنوان «شناسایی روندهای فناوری و پیشران‌های تغییر شکل دهنده فرصت کارآفرینانه در حوزه آموزش» نشان دادند، گسترش نفوذ رسانه‌های اجتماعی، ناهماهنگی در تعریف و سطح سواد دیجیتال نسل‌ها و در نهایت فرهنگ پذیرش تغییر و نوآوری، بیشترین تأثیر را بر شکل‌گیری فرصت‌های کارآفرینانه در بازار آموزش ایران طی ۵ سال آینده خواهند داشت.

در پژوهشی دیگر که توسط منتظر و فلاحتی (۱۳۹۴)، با عنوان «سناریونگاری آینده آموزش عالی و کاربرد فناوری اطلاعات» انجام پذیرفت، در ابتدا مهم‌ترین پیشران‌های آموزش عالی شناسایی شد که از جمله این عوامل: تغییرات جمعیتی، جهانی‌شدن، نیروهای بازار، مسائل اقتصادی و تأمین مالی دانشگاه‌ها؛ خصوصی شدن بخش آموزش، جهت‌گیری دانشگاه‌ها به سمت منافع ملی، رویکرد باز و شبکه‌ای نسبت به دانش، حاکم شدن اصول کسب و کار بازار، افزایش بازیگران جدید عرصه آموزش عالی، یادگیری مادام‌العمر و ... می‌باشد.

هدف پژوهش نیازآذری (۱۳۹۱) با عنوان «تعیین مؤلفه‌های آینده‌پژوهی جهت طراحی مدل در آموزش عالی»، تعیین مؤلفه‌های آینده‌پژوهی جهت ارائه مدلی در نظام آموزش عالی کشور عنوان شده و مؤلفه‌هایی؛ مثل فلسفه، اهداف، مبانی نظری، مراحل اجرایی، نظام ارزیابی و مهندسی مجدد شناسایی شده‌اند.

ب: پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه حسابداری

تحقیق باباجانی و همکاران (۱۳۹۷) نشان داد که وضعیت حسابداری مدیریت در حال حاضر مطلوب نیست و بر اساس نظر خبرگان، مهم‌ترین و تأثیرگذارترین پیشران این حوزه، توسعه نرم‌افزارها و سیستم‌های حسابداری هوشمند است. پیشران هوشمندی کسب و کار در جایگاه دوم و گسترش استفاده از فناوری‌های شخصی و رایانش ابری در کسب و کار به طور مساوی در مرتبه سوم قرار دارند.

انجمن حسابداران و متخصصان مالی در تجارت^۱، (۲۰۱۸) از طریق انجام مراحل مختلف در مجموع ۱۰۰ پیشران تغییر را شناسایی و آن‌ها را در ۸ گروه کلی اقتصاد جهانی، سیاست و قانون، جامعه، کسب و کار، علم و تکنولوژی، محیط و انرژی و منابع، عمل حسابداری و حرفه حسابداری دسته‌بندی کرده است.

یافته‌های پژوهش باباجانی و خنکا (۱۳۹۶) با عنوان «شناسایی و تحلیل کلان روندهای مؤثر بر آینده حسابداری مدیریت از منظر حرفه و کسب و کارها با رویکرد آینده‌پژوهی» نشان

1. the association of accountants and financial professionals in business

داد، افزایش تقاضا برای حسابداری مدیریت و ایجاد توازن بین حسابداری مالی و حسابداری مدیریت، افزایش انتظارات مشتریان و افزایش متخصصان حسابداری مدیریت، به ترتیب به عنوان مهم‌ترین پیشران‌های آینده حسابداری مدیریت می‌باشند.

طبق مقاله «پیشران‌های تغییر، قطب‌نمای آینده» که محصول چندین سال تحقیق و بررسی و نتیجه یک کار تیمی توسط حسابداران حرفه‌ای قسم‌خورده کانادا^۱، (۲۰۱۷) است، عوامل اصلی تأثیرگذار بر آینده حسابداری به شرح زیر است: عوامل اقتصادی، عوامل زیست‌محیطی، عوامل فناوری، عوامل اجتماعی و عوامل ژئوپلیتیکی.

پنکوس و همکاران (۲۰۱۷) در مقاله خود، پیشران‌های تغییر در آموزش عالی ایالات متحده را به دو گروه فشارهای مالی و فناوری تقسیم کرده‌اند.

صفاری و صابری سرابی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «آینده حرفه حسابرسی؛ روش تحلیل سناریو» تغییر فضای تجارت جهانی و جهانی‌سازی، درک نیاز حسابرسان و ذی‌نفعان به ارائه خدمات نوین مالی و مشاوره‌ای و تحول‌های ایجاد شده در زمینه‌های فناوری و بخصوص فناوری اطلاعات را از اصلی‌ترین عوامل تأثیرگذار بر آینده حرفه حسابرسی اعلام نمودند.

انجمن حسابداران خیره انگلیس^۲ (۲۰۱۹)، با تهیه گزارشی مفصل با عنوان «پیشران‌های تغییر و مهارت‌های آینده»، تلاش کرد تا بینشی در مورد پویایی آینده حرفه حسابداری بین سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۵ ارائه دهد. در این مطالعه جهانی، عوامل تأثیرگذار بر آینده حسابداری عبارتند از: مدیریت الزامات حاکمیتی، فناوری‌های دیجیتال، پیش‌بینی انتظارات و جهانی‌سازی.

در یک فراتحلیل که توسط اثنین و همکاران (۲۰۱۵) صورت پذیرفت، ده عامل مهم تأثیرگذار در آموزش عالی بین سال‌های ۲۰۱۵ - ۲۰۲۵ مشخص شده است که چهار مورد اول به نتایج مربوط به ذی‌نفعان کلیدی در سیستم‌های آموزش عالی؛ از جمله مسیرهای آموزشی دانشجویان دانشگاهی و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، جامعه دانشگاهی که در یادگیری مادام‌العمر مشارکت دارند، تمرکز دارد.

شش مورد دیگر روی توانمندسازی اکوسیستم آموزش عالی متمرکز شده‌اند و مؤلفه‌های مهم؛ مانند بودجه، دولت، نوآوری، بین‌المللی، یادگیری آنلاین و تحول را تحت پوشش قرار می‌دهند.

1. Chartered Professional Accountants of Canada(CPA of Canada)

2. the Association of Chartered Certified Accountants(ACCA)

نورزینی و همکاران (۲۰۱۰) تغییرات جمعیتی و مشارکت، جهانی‌سازی و بین‌المللی شدن، حاکمیت و استقلال، اقتصاد دانش‌محور و لزوم برقراری پیوند نزدیک دانشگاه با صنایع را از جمله عوامل تأثیرگذار بر آینده آموزش معرفی کرده‌اند.

ملک آرایی (۱۳۸۸) در سرمقاله‌ای با عنوان «عوامل و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر آینده حسابداری»، عوامل سیاسی و قانونی، عوامل اقتصادی و اجتماعی، عوامل فرهنگی و تکنولوژیکی را مجموعه عوامل تأثیرگذار بر آینده حسابداری دانستند.

مرور دقیق پیشینه پژوهشی حاکی از آن است که هیچ‌کدام از تحقیقات قبلی به صورت مشخص، آینده پژوهی آموزش حسابداری در ایران را مورد مطالعه قرار نداده‌اند. به صورت خلاصه و در جمع‌بندی نهایی از سوابق پژوهشی و مبانی نظری می‌توان به این نکته اشاره داشت که مجموعه تحقیقات مشابه قبلی را می‌توان در پنج دسته اصلی تقسیم‌بندی نمود:

الف) تحقیقاتی که موضوع آن‌ها آینده‌پژوهی و آینده حسابداری به صورت کلی بود؛ مثل تحقیق ملک آرایی (۱۳۸۸) که به دلیل عدم توجه ویژه به موضوع آموزش، با مطالعه حاضر تفاوت دارند.

ب) تحقیقاتی که صرفاً به آینده‌پژوهی در حوزه آموزش را مورد توجه قرار داده‌اند و بیشتر تحقیقات در این حوزه می‌باشد؛ مثل تحقیق مهدی (۱۳۹۴)، رومزی و همکاران (۱۳۹۸)، اخلاقی، صالح صدق‌پور و نوید ادهم (۱۳۹۹)، رهسپار و همکاران (۱۳۹۸)، اصغری و اکبرپور شیرازی (۱۳۹۷)، رمضان‌پورنگسی و همکاران (۱۳۹۵)، منتظر و فلاحتی (۱۳۹۴)، نیازآذری (۱۳۹۱) که این پژوهش‌ها متمرکز بر رشته خاصی از جمله حسابداری نبوده‌اند.

ج) تحقیقاتی با رویکرد آینده‌پژوهی در برخی دیگر از حوزه‌های حسابداری بجز آموزش مثل تحقیق زمانی اسکندری و همکاران (۱۳۹۹)، تحقیق باباجانی و همکاران (۱۳۹۷)، باباجانی و خنکا (۱۳۹۶)، صفاری و صابری سرایی (۱۳۹۴) در این تحقیقات نیز آموزش حسابداری که می‌تواند بر تمام حوزه‌های دیگر حسابداری تأثیرگذار باشد، دیده نشده است.

د) تحقیقات آینده‌پژوهانه در زمینه آموزش در سایر رشته‌ها مثل پژوهش‌گرایی و همکاران (۱۳۹۷).

ه) آخرین گروه از سوابق پژوهشی نیز در زمینه‌های مختلف آموزش و حسابداری در قلمروی مکانی خارج از ایران انجام شده‌اند و به همین دلیل با پژوهش حاضر تفاوت دارند، زیرا ممکن است دو چشم‌انداز تدوین شده برای دو کشور مختلف با هم در تضاد باشند؛ چرا که هر کشور، آینده مطلوب خود را مبتنی بر هنجارها و ارزش‌های خود تصور کرده است (حیدری، ۱۳۹۵). چند نمونه از تحقیقات انجام شده در این گروه عبارتند از: تحقیق روزانوا (۲۰۲۱)، جورج پساکاروپولوس (۲۰۲۰)، انجمن حسابداران و متخصصان مالی در تجارت،

(۲۰۱۸)، کار پژوهشی حسابداران حرفه ای قسم خورده کانادا^۱، (۲۰۱۷)، کارن وی پنکوس و همکاران (۲۰۱۷)، گزارش انجمن حسابداران خبره انگلیس^۲ (۲۰۱۹)، اثین و همکاران (۲۰۱۵)، نورزینی و همکاران (۲۰۱۰).

دستاورد نهایی از مطالعه سوابق پژوهشی؛ شامل حدود ۵۰ عنوان مقاله یا گزارش علمی درباره آینده پژوهی حرفه حسابداری یا پدیده آموزش در داخل و خارج از کشور، فهرست اولیه‌ای از عوامل مؤثر بر آینده این مفاهیم است که حدود ۱۶۰ عامل را در برمی‌گیرد. فهرست کامل این عوامل در پیوست شماره (۱) مقاله آمده است.

۳- روش پژوهش

تحقیقات حوزه‌های آینده پژوهی را می‌توان به روش‌های گوناگونی انجام داد که یکی از آن‌ها، کسب نظر خبرگان^۳ حوزه مورد پژوهش می‌باشد. این مسیر که در برگیرنده روش‌های کیفی است، لزوماً آینده را امتداد گذشته تصور نمی‌کند، بلکه روش مشاوره جمعی و فرایندی ساختاریافته برای جمع‌آوری و طبقه‌بندی دانش ضمنی کارشناسان و خبرگان با استفاده از پرسش‌نامه می‌باشد (همتی و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۷).

یکی دیگر از این روش‌ها، روش دلفی می‌باشد. تکنیک دلفی، توسط هرمان‌کان و همکارانش در سال ۱۹۶۷ و جهت کسب نظر متخصصان درباره یک موضوع مشخص ابداع شد. در این تکنیک با استفاده از توزیع پرسشنامه در بین جمعی از خبرگان و طی چند مرحله انجام می‌شود. (محمدحسینی و همکاران، ۱۳۹۹: ۴۷). به طور کلی انجام تکنیک دلفی در دو گام اصلی خلاصه می‌شود: نخست، ارسال پرسشنامه برای خبرگان، برای دریافت دیدگاه‌های آن‌ها و دوم، ارسال مجدد پرسشنامه به خبرگان؛ البته این بار به همراه بازخوردهای اخذ شده از دور^۴ اول، تا با توجه به رقابتی که میان دیدگاه‌ها وجود دارد، نظرات قبلی مورد ارزیابی مجدد قرار گیرد و این فرایند تا زمان رسیدن به اجماع ادامه خواهد یافت که معمولاً تا چهار دور این مهم محقق خواهد شد و به زبانی ساده در روش دلفی یک پرسش‌نامه طی یک یا چند دوربین مشارکت‌کنندگان در پیمایش توزیع می‌شود تا در آخر بهترین پاسخ‌ها دریافت شود (حیدری، ۱۳۹۵: ۹۳).

تحقیق حاضر از انواع تحقیق‌های ترکیبی است که بخشی از آن کیفی و بخشی نیز کمی است و بر مبنای هدف نیز از نوع کاربردی - توسعه‌ای و بر مبنای روش جمع‌آوری داده‌ها توصیفی

1. Chartered Professional Accountants of Canada(CPA of Canada)
2. the Association of Chartered Certified Accountants(ACCA)
3. Experts
4. Round

- پیمایشی و اکتشافی محسوب می‌شود. مراحل تفصیلی اجرای تحقیق و همچنین ابزارهای به کار رفته در هر مرحله بدین قرار است:

- احصای پیشران‌ها: اولین قدم در آینده‌پژوهی، بررسی نیروهای محرکه یا پیشران‌های تأثیرگذار بر آن حوزه است (آزمان و همکاران، ۲۰۱۰). این مرحله با رویکرد مطالعات کتابخانه‌ای و کسب نظر خبرگان انجام شد و به منظور تبیین پیشینه تحقیق و شناسایی متغیرهای اولیه مؤثر در آموزش حسابداری، اطلاعات و داده‌های موردنیاز از منابع و اسناد آینده‌پژوهی درباره آموزش عالی و دانشگاه‌ها با تمرکز بر بازه زمانی یک دهه اخیر گردآوری و سازمان‌دهی شد. در این راه، بالغ بر ۵۰ سند علمی مورد تحلیل قرار گرفت و تعداد ۱۶۰ عامل شناسایی شد.

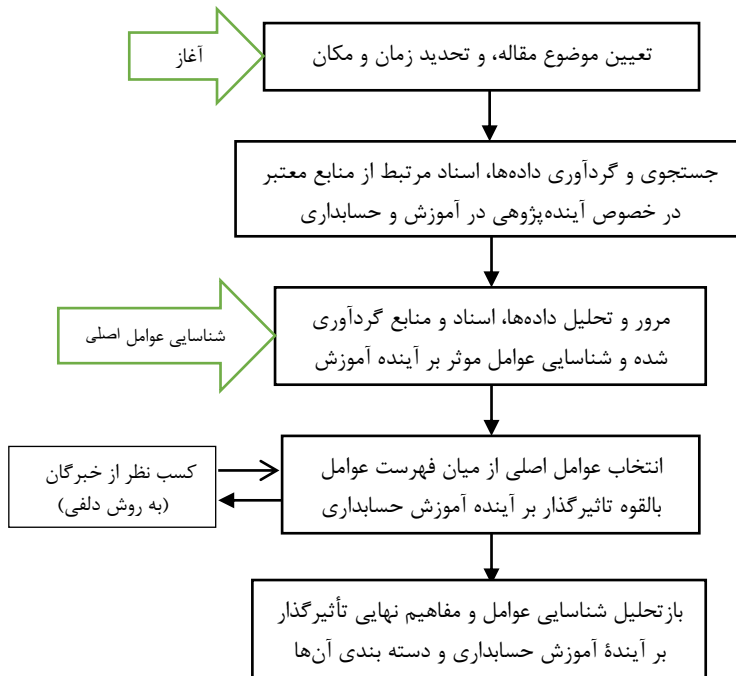
- پالایش فهرست: این کار از طریق برگزاری نشست خبرگان صورت گرفت. از آنجا که روش پژوهش از نوع توصیفی و اکتشافی و تکنیک گردآوری اطلاعات، دلفی می‌باشد به جای جامعه آماری از جامعه مورد بررسی استفاده شد. شرکت کنندگان در تحقیق دلفی از ۵ تا ۲۰ نفر را شامل می‌شوند که حداقل تعداد شرکت کنندگان، بستگی به چگونگی طراحی روش تحقیق دارد (واتسون و همکاران، ۲۰۰۷: ۴۰). با توجه به ماهیت این پژوهش که بر خبرگان استوار است، از ۱۵ نفر از خبرگان استفاده شد. خبرگان مد نظر این پژوهش، اساتید خبره حسابداری با مدرک دکتری حسابداری و با آثار علمی و پژوهشی متعدد در زمینه حسابداری می‌باشد که علاوه بر اشتغال در بخش آموزش، در حرفه نیز فعال می‌باشند؛ ضمن آن که با مفاهیم و مدل‌های آینده‌پژوهی نیز آشنایی نسبی داشته‌اند.

- تعیین الگوی دسته‌بندی عوامل: با توجه به وجود الگوهای متعدد جهت دسته‌بندی عوامل در پژوهش‌های آینده‌پژوهی، پرسشنامه‌ای طراحی و از خبرگان خواسته شد نظر خود را درباره الگوی بهینه و متناسب با ویژگی‌های این تحقیق اعلام کنند. روایی این پرسشنامه را خبرگان تخصصی مورد تأیید قرار دادند و پایایی آن با آزمون آلفای کرون باخ (مقدار ۰/۸۷) مورد پذیرش قرار گرفت. مقادیر محاسبه شده از ضریب الفای کرونباخ به تفکیک بخش‌های هفتگانه پرسشنامه در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول ۱: محاسبه الفای کرونباخ به تفکیک بخش‌های پرسشنامه

ردیف	کلان‌روند (گروه سوالات)	تعداد سوالات	مقدار ضریب
۱	اقتصادی	۴	۰/۹۱۲
۲	سیاسی	۳	۰/۸۹۵
۳	نهادی	۵	۰/۸۸۴
۴	اجتماعی	۴	۰/۹۰۳
۵	فناوری	۴	۰/۹۲۲
۶	حقوقی	۳	۰/۸۶۶
۷	دانشگاهی	۴	۰/۹۱۶
	کل پرسشنامه	۲۷	۰/۸۷۲

- دسته‌بندی عوامل: در طی چندین مرحله نشست جمعی، اعضای گروه تحقیق، نسخه اولیه‌ای از دسته‌بندی عوامل شناسایی شده بر اساس الگوی توصیه شده توسط خبرگان را تهیه کردند که در ادامه پس از تعدیل و اصلاح توسط خبرگان، مورد تأیید قرار گرفت. فلوچارت محقق ساخته زیر مراحل پژوهش را به صورت شماتیک نشان می‌دهد.



شکل (۱): مراحل اجرایی پژوهش

۴- یافته‌های پژوهش

الف: شناسایی عوامل

در این مرحله با توجه به مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده و مقالاتی که در پیشینه تحقیق از آن‌ها نام برده شد، تعداد ۱۶۳ عامل تأثیرگذار بر آینده آموزش حسابداری شناسایی گردید. سپس این فهرست توسط گروه تحقیق مورد پالایش قرار گرفت و با ادغام موارد مشابه و حذف موارد تکراری، فهرستی شامل ۹۴ عامل تنظیم شد. این فهرست مطابق با روش‌شناسی دلفی در اختیار جمعی از خبرگان قرار گرفت تا از آن میان، اصلی‌ترین عوامل موثر بر آینده آموزش حسابداری را انتخاب کنند. مبنای قضاوت درباره کفایت نظرخواهی از خبرگان، دستیابی به توافق حداقل هفتاد درصدی پاسخ‌دهندگان درباره ضرورت وجود یک عامل، در فهرست نهایی

عوامل اصلی بوده است. بدین ترتیب، در دور نخست دلفی، تعداد ۱۴ عامل برگزیده شد. در ادامه و در دور دوم و سوم نیز به ترتیب تعداد ۹ و ۴ عامل به فهرست عوامل اصلی افزوده شد، اما نظرخواهی از خبرگان در دور چهارم دلفی منجر به افزوده شدن هیچ عامل جدیدی (با توافق هفتاد درصدی پاسخ دهندگان) به فهرست قبل نشد و بنابراین فرایند اجرای دلفی با شناسایی ۲۷ عامل اصلی تأثیرگذار بر آینده آموزش حسابداری در ایران متوقف گردید. جدول ۲ تعداد و عناوین عوامل شناسایی شده در هر دور از فرایند دلفی را گزارش می‌کند.

جدول ۲: عوامل شناسایی شده در هر دور از فرایند دلفی

شماره دور	تعداد عوامل مورد توافق	فهرست عوامل مورد توافق
اول	۱۴	خصوصی شدن بخش آموزش/ افزایش بازیگران جدید عرصه آموزش عالی/ تغییرات جمعیتی (سنی، جنسی)/ عدم تناسب اندازه و حجم کار مشتریان با تعداد حسابرسان/ توجه به آموزش‌های کوتاه‌مدت/ تخصص‌گرایی/ نگرش دانشجویان نسبت به رشته و آینده آن/ تغییر معادله عرضه و تقاضا به دلیل خصوصی‌سازی/ هماهنگی میان تخصص اعضای هیأت علمی با تحولات برنامه درسی و گرایش‌های جدید به موجب بازنشتگی اعضای هیأت علمی باتجربه/ توجه به ابعاد عملی درس/ افزایش مهاجرت به کشورهای پیشرو/ گسترش نفوذ رسانه‌های اجتماعی/ گسترش فرصت‌های تجاری مرتبط با شیوه‌های جدید آموزش/ ارزش‌گذاری دزایی‌های دیجیتال در حوزه تدوین کتب آموزشی
دوم	۹	تحول در شیوه‌های ارزشیابی دانشجویان/ ظهور استارت‌آپها (تغییر سرمایه‌گذاری)/ عوامل ژئوپلیتیکی/ توازن بین تحصیلات تکمیلی و کارشناسی در آموزش عالی به دلیل تغییر رویکرد در گسترش رشته‌های علوم انسانی/ تغییر نگاه به دانشجو از مصرف‌کننده به تولید کننده به دلیل رواج رویکرد شبکه‌ای به دانش/ گنجانیدن عنصر کارآفرینی در برنامه‌های درسی/ ارائه تعریف و ویژگی‌های استاندارد برای مشاغل اطلاعاتی و دانش‌محور/ چالش‌های امنیت سایبری در عصر گسترش فناوری‌های نوین و نوآوری‌های جهانی/ فرهنگ پذیرش تغییر و نوآوری
سوم	۴	افزایش رقابت بازارهای حرفه‌ای به دلیل جهانی‌شدن/ رواج و توسعه یادگیری بین‌فرهنگی (چند فرهنگی)/ الزامات حاکمیتی/ پیچیدگی معاملات و روابط تجاری

ب: انتخاب الگوی دسته‌بندی

برای آنکه نظر خبرگان درباره الگوی دسته‌بندی پیشران‌ها دریافت شود، با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند، هیئتی مرکب از ۱۵ نفر از خبرگان آموزش حسابداری ایران که قبلاً به ویژگی‌های آن‌ها اشاره شد، تشکیل و فهرستی از الگوهای شناسایی شده در اختیارشان قرار گرفت.

لازم به ذکر است، در آینده‌پژوهی روش‌های مختلفی برای دسته‌بندی عوامل اصلی تأثیرگذار بر آینده وجود دارد که معمولاً انتخاب این دسته‌بندی‌ها با توجه به بافت محیطی و شرایط ساختاری موضوع مورد پژوهش انجام می‌شود.

برای مثال، نشریه معتبر فیوچرلیست از مدل رصد متغیرهای DEGEST (مردم‌شناسی، اقتصاد، دولت، محیط‌زیست، اجتماع، فناوری) استفاده می‌کند و با کنترل و رصد دائم عوامل فوق سعی در شفاف‌سازی محیط و پیش‌بینی روندها و رویدادهای آینده دارد.

از معروف‌ترین شیوه‌های طبقه‌بندی موجود، روش تحلیل STEEPV و مشتقات آن از قبیل PEST، STEP، STEELED، PESTLE و STEEP می‌باشد.

تجزیه و تحلیل STEEPVL از روش‌های اثبات شده برای ارزیابی و طبقه‌بندی عوامل گوناگون تأثیرگذار بر یک روند بوده و از بهترین شیوه‌های طبقه‌بندی در مباحث آینده‌پژوهی می‌باشد. این اصطلاح مخفی برای شناسایی عوامل اجتماعی، فناوری، اقتصادی، بوم‌شناسی، سیاسی، ارزشی و حقوقی است و برای طبقه‌بندی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر یک تحقیق از آن استفاده می‌شود. این شیوه توسعه یافته روش PEST (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فناوری) است که تنها چهار گروه از عوامل را در نظر می‌گیرد. اولین اصلاح در شیوه PEST، تجزیه و تحلیل STEEP بود که در آن عامل زیست‌محیطی به عوامل قبلی اضافه شد. با توجه به چند بعدی بودن محیط، در مراحل بعدی با اضافه شدن عوامل ارزش‌ها و حقوقی به عوامل فوق، تجزیه و تحلیل STEEP(V) و STEEPV(L) به وجود آمد و باعث غنای بیشتر این روش تجزیه و تحلیل شد (شپیلکو، گلیسکا و سیدایو، ۲۰۲۰: ۲۴). افزایش تعداد ابعاد تجزیه و تحلیل PEST به هفت بعد STEEPVL امکان شناسایی دقیق‌تر عوامل مؤثر بر یک پدیده را فراهم می‌کند که در صورت تجزیه و تحلیل سنتی PEST از آن‌ها چشم‌پوشی می‌شود. در برخی از تحقیقات، عوامل دیگری؛ مثل مردم‌شناسی و اخلاق نیز به صورت مجزا دسته‌بندی شدند (کوثری و سادات رحمتی، ۱۳۹۸: ۱۱۲).

در این تحقیق نیز تلاش شد تا با بررسی دقیق گزارش‌های علمی و دیگر منابع معتبر، عوامل تأثیرگذار بر آینده حسابداری، بر اساس تشخیص خبرگان، به شیوه‌ای مناسب دسته‌بندی و طبقه‌بندی شود.

برای سنجش میزان تناسب هرکدام از الگوها با تحقیق حاضر، سه معیار با وزن مساوی طراحی شد. این معیارها عبارتند از: جامعیت و مانعیت، ارتباط با موضوع پژوهش و ارتباط با قلمرو پژوهش.

در این مرحله، از هرکدام از خبرگان خواسته شد تا نظر خود را درباره تناسب هرکدام از الگوهای فوق در قالب امتیاز اعلام کنند. دامنه تغییرات که پاسخ‌دهندگان می‌توانستند برای هر مؤلفه به آن امتیاز بدهند، بین صفر تا ۵ بود.

نتایج حاصل از نشست خبرگان در جدول شماره ۳ آمده است.

جدول ۳: معیارها و مؤلفه‌های طبقه‌بندی

مؤلفه‌ها	معیارها	میانیت و ماهیت	رباط با موضوع پژوهش	رباط با فلسفه پژوهش	تاریخ
۱	گزارشگری پایداری (اقتصادی، راهبری، اجتماعی، اخلاقی و زیست محیطی)	۳/۵۰	۳/۲۵	۳/۵۰	۳/۴۲
۲	DEGEST (مردم‌شناسی، اقتصادی، دولتی، محیط‌زیستی، اجتماعی، فناوری)	۳/۸۵	۳/۴۰	۳/۵۰	۳/۵۸
۳	STEEP (اجتماعی، فناوری، اقتصادی، بوم‌شناسی، سیاسی، ارزشی)	۳/۷۵	۳/۳۰	۳/۳۰	۳/۴۵
۴	PEST (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فناوری)	۳/۲۵	۳/۵۰	۳/۴۵	۳/۴۰
۵	PESTLE (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، فناوری، حقوقی و بوم‌شناسی)	۴/۳۰	۳/۶۰	۳/۶۰	۳/۸۳
۶	STEEPLED (اجتماعی، فناوری، اقتصادی، بوم‌شناسی، سیاسی، حقوقی، اخلاقی، مردم‌شناسی)	۴/۱۵	۳/۹۵	۳/۶۰	۳/۹۰
۷	STEEP (اجتماعی، فناوری، اقتصادی، بوم‌شناسی و سیاسی)	۳/۵۵	۳/۶۰	۳/۵۵	۳/۵۷
۸	EPISTLE (اقتصادی، سیاسی، نهادی، اجتماعی، فناوری، حقوقی و اخلاقی)	۴/۳۰	۴/۲۰	۳/۸۰	۴/۱۰

نظر به اینکه بالاترین میانگین در هر سه معیار مربوط به روش EPISTLE می‌باشد، در این مرحله تمامی گویه‌های مستخرج از مقالات بر اساس همین الگو، دسته‌بندی و برای خبرگان ارسال گردید تا آن‌ها در خصوص میزان انطباق هر گویه با عامل اصلی اظهار نظر کنند. در نهایت با جمع‌بندی نظر نهایی خبرگان و صاحب‌نظران آموزش عالی حسابداری، گویه‌های مستخرج به عنوان روند و کلان روند در مدل جدیدی با هفت جریان اصلی (اقتصادی، سیاسی، نهادی، اجتماعی، فناوری، حقوقی، دانشگاهی) با نام اختصاری EPISTLU طبقه‌بندی گردید. توضیح آنکه هرچند جریان دانشگاهی در هیچ‌کدام از تحقیقات قبلی مورد اشاره قرار نگرفته است، اما با توجه به موضوع پژوهش و همچنین عواملی شناسایی شده، به نظر می‌رسید برخی از این عوامل در هیچ‌یک از دسته‌های بالا قابل جایگزاری نبود. به همین دلیل، با کسب نظر خبرگان دسته جدیدی اضافه و به نام دانشگاه به عوامل قبلی اضافه شد. در ضمن هیچ‌یک از عوامل در دسته اخلاقی جای نگرفت.

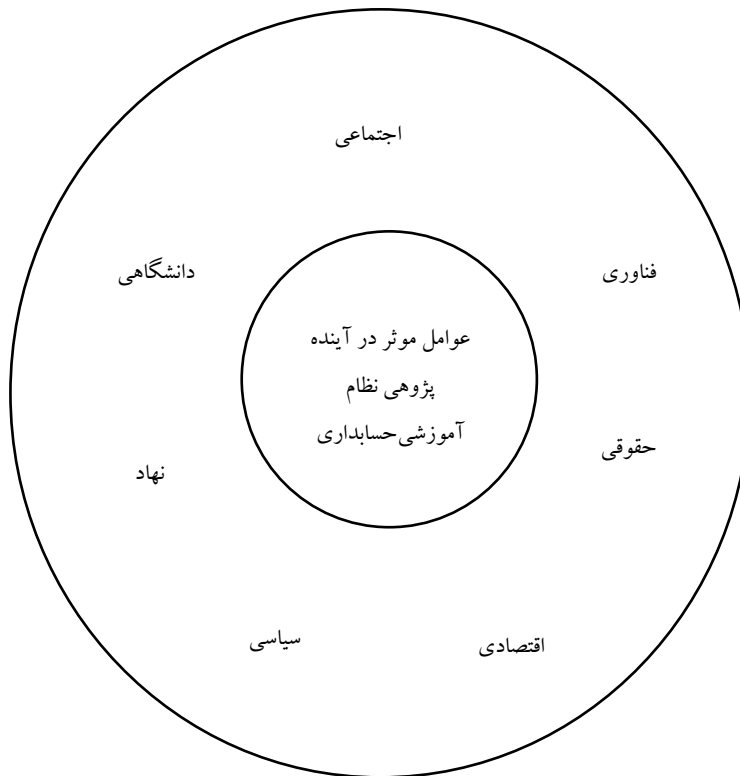
ج: دسته‌بندی عوامل

در نهایت، تعداد ۲۷ عامل اصلی تأثیرگذار بر آینده آموزش حسابداری ایران (خروجی گام اول) بر اساس الگوی هفت‌بخشی توصیه شده توسط خبرگان (خروجی گام دوم) مورد دسته‌بندی قرار گرفتند. تکنیک مورد استفاده در این مرحله، تشکیل نشست خبرگان (پنل خبرگی) بوده است. بدین ترتیب، از خبرگان معرفی شده در بخش قبلی خواسته شد تا هرکدام از این عوامل را در یکی از گروه‌های هفتگانه جانمایی کنند. نتیجه این تلاش فکری در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴: روندها و کلان‌روندها

ردیف	کلان‌روند	روند	منبع
۱	اقتصادی	افزایش رقابت بازارهای حرفه‌ای به دلیل جهانی شدن	اصغری، و اکبرپور شیرازی (۱۳۹۷)
		خصوصی شدن بخش آموزش	منتظر و فلاحتی (۱۳۹۴)
		تغییر معادله عرضه و تقاضا به دلیل خصوصی سازی	گرایبی و همکاران (۱۳۹۷)
۲	سیاسی	ظهور استارت‌آپها (تغییر سرمایه‌گذاری)	رهسپار و همکاران (۱۳۹۸)
		رواج و توسعه یادگیری بین‌فرهنگی (چند فرهنگی)	رهسپار و همکاران (۱۳۹۸)
		الزامات حاکمیتی	گزارش انجمن حسابداران خبره انگلیس (۲۰۱۹)
۳	نهادی	عوامل ژئوپلیتیکی	گزارش انجمن حسابداران خبره کانادا (۲۰۱۷)
		افزایش بازیگران جدید عرصه آموزش عالی	منتظر و فلاحتی (۱۳۹۴)
		توازن بین تحصیلات تکمیلی و کارشناسی در آموزش عالی به دلیل تغییر رویکرد در گسترش رشته‌های علوم انسانی	گرایبی و همکاران (۱۳۹۷)
۴	اجتماعی	هماهنگی میان تخصص اعضای هیات علمی با تحولات برنامه درسی و گرایش‌های جدید به موجب بازنشتگی اعضای هیات علمی باتجربه	گرایبی و همکاران (۱۳۹۷)
		تحول در شیوه‌های ارزشیابی دانشجویان	گرایبی و همکاران (۱۳۹۷)
		تغییر نگاه به دانشجو از مصرف‌کننده به تولیدکننده به دلیل رواج رویکرد شبکه‌ای به دانش	رمضان پور و همکاران (۱۳۹۵)
۵	فناوری	تغییرات جمعیتی (سنی، جنسی)	منتظر و فلاحتی (۱۳۹۴) و اصغری و اکبر پور شیرازی (۱۳۹۷)
		نگرش دانشجویان نسبت به رشته و آینده آن	گرایبی و همکاران (۱۳۹۷)
		فرهنگ پذیرش تغییر و نوآوری	رمضان پور و همکاران (۱۳۹۵)
۶	حقوقی	افزایش مهاجرت به کشورهای پیشرو	رهسپار و همکاران (۱۳۹۸)
		گسترش نفوذ رسانه‌های اجتماعی	رمضان پور و همکاران (۱۳۹۵)
		چالش‌های امنیت سایبری در عصر گسترش فناوری‌های نوین و نوآوری‌های جهانی	باباجانی و همکاران (۱۳۹۷)
۷	دانشگاهی	گسترش فرصت‌های تجاری مرتبط با شیوه‌های جدید آموزش	باباجانی و همکاران (۱۳۹۷)
		ارزش‌گذاری دارایی‌های دیجیتال در حوزه تدوین کتب آموزشی	باباجانی و همکاران (۱۳۹۷)
		ارائه تعریف و ویژگی‌های استاندارد برای مشاغل اطلاعاتی و دانش‌محور	گرایبی و همکاران (۱۳۹۷)
۸	اقتصادی	عدم تناسب اندازه و حجم کار مشتریان با تعداد حساب‌برسان	محمدجواد، صفاری و صابری سرابی، فرهود (۱۳۹۴)
		پیچیدگی معاملات و روابط تجاری	محمدجواد، صفاری و صابری سرابی، فرهود (۱۳۹۴)
		گنجانیدن عنصر کارآفرینی در برنامه‌های درسی	گرایبی و همکاران (۱۳۹۷)
۹	اقتصادی	توجه به آموزش‌های کوتاه‌مدت	گرایبی و همکاران (۱۳۹۷)
		تخصص‌گرایی	گرایبی و همکاران (۱۳۹۷)
		توجه به ابعاد عملی دروس	گرایبی و همکاران (۱۳۹۷)

نکته اساسی این پژوهش، حساسیت نظری و اشتغال به فعالیت پژوهشگر در زمینه آموزش حسابداری و آشنایی با مفهوم آینده‌پژوهی است. برای اعتباریابی نتایج، علاوه بر اینکه داده‌ها و اسناد موجود که بارها مرور گردید، از آرای ۱۵ نفر از متخصصان آموزش عالی حسابداری نیز استفاده شد.



شکل (۲): مدل نهایی پژوهش

۵- نتیجه‌گیری و بحث

نگاهی به تغییر و تحولات در زیرمؤلفه‌های آموزش نشان می‌دهد که ناگزیر باید به سمت تدوین ره‌نگاشت دگردیسی سیستم آموزشی گام برداشت؛ چرا که در هزاره سوم فقط با سخت کار کردن و رعایت قوانین بازی، تضمینی برای موفقیت نیست (زاگری و طاهری دمنه، ۲۰۲۰: ۱۴۸) و به عنوان یک اصل جهان‌شمول، آموزش عالی یکی از محورهای توسعه منابع انسانی در هر کشور است (ریکمن، ۲۰۱۱: ۱۲۰).

بر اساس همین دیدگاه، تحقیق فوق انجام پذیرفت و مستند به یافته‌های گزارش شده در این مقاله می‌توان به این استنتاج کلی دست یافت که مجموعه عوامل تأثیرگذار بر آینده آموزش حسابداری در ایران که شامل ۲۷ عنوان می‌باشد، در هفت گروه اصلی (اقتصادی، سیاسی، نهادی، اجتماعی، فناوری، حقوقی، دانشگاهی) قابل دسته‌بندی هستند.

یافته‌های این پژوهش را می‌توان با نتایج گزارش شده از تحقیقات مشابه پیشین، بدین ترتیب مقایسه نمود. از یک سو طبقه‌بندی‌های اصلی شناسایی شده در این تحقیق، مشابه با یافته تحقیقات ملک آرایی (۱۳۸۸) و اریک کرل (۲۰۱۱) و همچنین گزارش حسابداران خبره کانادا (۲۰۱۷) است. از سوی دیگر، کاملاً متفاوت با طبقه‌بندی تحقیق منتظر و فلاحتی (۱۳۹۴) و رمضان‌پور، خالقی و حاجی حسینی (۱۳۹۵) گرای و همکاران (۱۳۹۷) باباجانی و همکاران (۱۳۹۷) بلاس، جاسمن و شلی (۲۰۱۰) و کوبلر و سیرز (۲۰۱۰) و هویسمن، دیورو بوتاس (۲۰۱۱) گزارش انجمن حسابداران رسمی آمریکا (۲۰۱۵) و اتین و همکاران (۲۰۱۸) است. البته طبقه‌بندی صورت گرفته برای مؤلفه‌ها در این پژوهش کاملاً منطبق بر پژوهش‌های اعلام شده در بالا نبود و برای مثال، طبقه‌ای به نام دانشگاه اضافه شد که دلیل اصلی تفاوت در طبقه‌بندی مؤلفه‌ها در این پژوهش با بخش عمده‌ای از تحقیقات پیشین را می‌توان به این واقعیت منتسب دانست که هیچ‌کدام از تحقیقات یاد شده بر احصاء پیشران‌ها آموزش حسابداری متمرکز نبوده‌اند و شناسایی این عوامل را در خلال فرایند تحقیقی در بخش آموزش و یا حسابداری و حسابرسی به صورت مجزا انجام داده‌اند که برخی از این پژوهش‌ها نیز به دلیل تفاوت قلمروی موضوعی و یا مکانی تحقیقات، هدف اصلی شناسایی پیشران‌ها نبوده و به موضوعی دیگر - بجز شناسایی پیشران‌ها - اختصاص داشته است؛ به طوری که تحقیق گرای و همکاران (۱۳۹۷) برای رشته دانشگاهی علوم آموزش علم اطلاعات و دانش‌شناسی ایران و تحقیق اتین و همکاران (۲۰۱۸) بر نقشه آینده آموزش عالی در مالزی تمرکز داشته است، ولی تحقیق حاضر آموزش حسابداری در ایران را مورد بررسی قرار داده است. لازم به ذکر است؛ برخی از مؤلفه‌های شناسایی شده در این پژوهش با مؤلفه‌های طبقه‌بندی شده در تحقیق باباجانی و خنکا (۱۳۹۶) و اصغری و اکبرپور شیرازی (۱۳۹۷) رهسپار و همکاران (۱۳۹۸) و همچنین گزارش انجمن حسابداران رسمی انگلیس (۲۰۱۹) مشابه است. دلیل این امر هم کاربرد این طبقه در همه علوم و مکان‌ها بوده و نمی‌توان آن را تنها مختص به آموزش حسابداری دانست. برای مثال؛ عوامل اقتصادی و سیاسی بر تمام رشته‌ها و در تمام موضوعات تأثیرگذار است.

پیشنهادها

در نهایت، همان‌طور که پیشتر به آن اشاره شد، روندهای اصلی تأثیرگذار بر آینده آموزش حسابداری؛ شامل ۲۷ مورد می‌باشد که خود به هفت کلان روند تقسیم شده است و بر اساس آن‌ها می‌توان پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه نمود:

- با توجه به افزایش رقابت در بازارهای حرفه‌ای به دلیل جهانی شدن، به سازمان حسابرسی پیشنهاد می‌گردد تا در مرحله نخست با ورود به بحث آموزش و بازآموزی اعضای خود و آشنایی آن‌ها با پیشرفت‌های جهانی در حوزه حسابرسی، مؤسسات زیر مجموعه خود